

# برخی ملاحظات و چند سوال از کاک رحیم عزیز پور

فرخ معانی

اخیراً دوست عزیز کاک رحیم عزیز پور در مطلبی تلاش نموده‌اند از منظر خویش پاسخ به نوشته‌ای از کاک فاروق نقشی بدهند. در این نوشته توضیحاتی در مورد بعضی از واژه‌ها داده شده که ظاهراً باید تفسیر کاک رحیم از بعضی مقولات مانند، فراکسیون، اقلیت و غیره باشند، فکر می‌کنم ایشان در مواردی از این تفسیر و توضیحات در اشتباه هستند. کاک رحیم مینویسد:

رفیق فاروق در نوشته‌اش عامدانه تلاش میکند، "فراکسیون" و "اقلیت تشکیلاتی" در اساسنامه را یکسان به خواننده القا کند. انتخاب واژه اقلیت تشکیلاتی بجای فراکسیون در اساسنامه به هیچ وجه تصادفی نیست. مفهوم واقعی آن برجسته کردن جنبه‌های نظری و سیاسی مسئله در مقابل جنبه‌های تشکیلاتی آن است، به همین دلیل است که می‌گوید:

محفوظ بودن حق اقلیت هر سازمان حزبی برای آنکه همه اعضای سازمان را از نظر و اختلافات خود با اکثریت مطلع نماید. (اساسنامه حزب کمونیست ایران)

مثل اینکه کاک رحیم تازگی متوجه شده‌اند که آوردن واژه اقلیت در اساسنامه تصادفی نبوده است. اقلیت به یک یا چند نفر که دارای نظراتی متفاوت در زمینه‌های مختلف اعم از تشکیلاتی و سیاسی و نظری با اکثریت حزب هستند گفته می‌شود. در وجهی که فراکسیون تنها شکلی است برای ابراز وجود اقلیت. این دو یکی نیستند پس بنابراین در اساسنامه حزب کمونیست ایران همانند بسیاری دیگر از اساسنامه‌های دیگر احزاب بدرستی از اقلیت بعنوان کُلّیت صحبت شده و طبیعی است که نمی‌تواند تنها نوعی از آن را مبنا قرار داده باشد.

اما آنجائی که کاک رحیم صحبت از مفهوم واقعی اقلیت می‌کند و می‌گوید **به این خاطر از این واژه استفاده شده چرا که جنبه‌های نظری و سیاسی آن مهم است تا جنبه تشکیلاتی**، باید از او پرسید دوست عزیز چگونه و بر اساس کدام استدلال به این تفسیر دایمانه از کلمه اقلیت دست پیدا کردید؟ راز این مفهوم واقعی را کی برای شما فاش کرد؟

شاید تفسیر جالب کاک رحیم به دلیل و بر اساس وجود واژه نظر در بند مورد مناقشه باشد. "**محفوظ بودن حق اقلیت هر سازمان حزبی برای آنکه همه اعضای سازمان را از نظر و اختلافات خود با اکثریت مطلع نماید.**"

دوست عزیز در این جمله سری نهفته نیست که شما آنرا برای خوانند کشف نموده‌اید. این جمله کاملاً واضح و روشن صحبت از حق اقلیت (عده‌ای کمتر از اکثریت) برای مطلع نمودن اعضای حزب از نظراتشان و اختلافاتشان با اکثریت می‌کند. این اختلافات می‌تواند در زمینه‌های مختلف منجمله تشکیلاتی باشد، در اینجا منظور مسایل (تئوریک) نیست. در ضمن به نظر شما چرا این حق به اقلیت داده شده است؟ این حق فقط برای آن نیست که گویا خوب دیگران هم بدانند که ما چه می‌گوییم، خیر این حق دقیقاً بدین منظور آمده و مهم است که مجالی، کانالی و امکاناتی فراهم می‌سازد که اقلیت بتواند نظرات و دیدگاه‌های خود را به نظر اکثریت در حزب تبدیل کند. همان کاری که فراکسیون مدعی آن می‌باشد و دقیقاً به این خاطر است که مکرراً تکرار می‌کنند که ما تمایلی به جدائی نداریم.

در ادامه کاک رحیم عدم انتشار بحث‌های نظری و تحلیلی این رفقا را دلیلی بر غیر جدی بودن این رفقا می‌داند: "در نتیجه باید سراغ ناتوانی و غیر جدی بودن و ناشفاف بودن در ارائه نظرات و مضافاً ضعیف بودن گرایش شما در حزب و جامعه رفت"

فرض کنیم حق با شما است این رفقا ضعیف و ناتوان هستند و از نظر سیاسی و تئوریک نتوانسته‌اند بحث‌هایشان را فرموله کنند و بقول شما در جامعه هم مطرح نیستند، با تمام این اوصاف من از شما می‌پرسم، آیا این رفقا اجازه دارند در جریان عمل به نظری متفاوت با شما رسیده باشند؟ آیا اجازه دارند حتی اگر بلحاظ تئوریک نتوانند نظراتشان را ارائه دهند اما در تصمیم‌شان و جهت گیریشان محق باشند؟ مگر رفقای که (منجمله خود شما هم جزو آنها بودید) در حزب و کومه‌له ماندگار شدند و با گروه منصور حکمت همراه نگردیدند، پاسخ نظری برای بحث‌های فراکسیون کمونیسم کارگری داشتند؟ مگر غیر از این بود که هم من و هم شما و هم آن عزیزانی که رهبر من و شما بودند تنها در جریان عمل و به اتکا بر تجربه سیاسی که داشتند تصمیم به ماندگار شدن گرفتند؟ مگر غیر از این است که تاریخ ثابت کرد همراه نشدن با آنها با وجود نداشتن بحثی جدی تصمیم عاقلانه‌ای بود؟ چرا انتظار دارید این رفقا بحث‌های آنچنانی بکنند در وجهی که خودتان بعد از گذشت این همه سال در مقابل نظرات انحرافی فراکسیون کمونیسم کارگری که کومه‌له را تا سر حد نابودی برد، کار بقول خودتان جدی صورت نداده‌اید؟ از این بگذریم که تا جاییکه به مباحث سیاسی و طرح اختلافات برمی‌گردد تا حال هیچ اقلیتی در حزب کمونیست ایران به اندازه این رفقا بحث مطرح نساخته است.

در ادامه کاک رحیم نظر خود را در مورد تشکیل فراکسیون می‌دهد، باز هم گلی به جمال انصاف شما، تشکیل او را بلامانع می‌دانید، اما در ادامه برای تشکیلش شرط می‌گذارد. **اما علی‌القاعده کسانی فراکسیون تشکیل می‌دهند که برنامه و اساسنامه حزب را قبول داشته باشند و با بعضی از تاکتیکیا و سیاستهای مشخصی با اکثریت اختلاف دارند.**

این هم یکی دیگر از آن تفسیرهای کم نظیر است؟! تعریف فراکسیون از دیدگاه کاک رحیم این است! به تشکیلی فراکسیون گفته می‌شود که از اختلاف‌های برنامه‌ای و اساسنامه‌ای پرهیز جوید و فقط در موارد تاکتیکی آنهم نه همه آنها بلکه بعضی از آنها اختلاف داشته باشد. بی‌ایند برای یک لحظه هم که شده این تعریف داهیانه را بپذیریم، با این وصف این سوال پیش می‌آید آیا فراکسیون کمونیسم کارگری نیز برنامه و اساسنامه شما (حکا) را قبول داشت و تنها با بعضی از تاکتیکیهای حزب مخالف بود؟!

**در ادامه بحث کاک رحیم ژست مربی اخلاق را هم به خود گرفته و می‌گوید مضافاً با روشهای سالم ایدئولوژیک . . . . دوست عزیز تا جایی که افکار عمومی مطلع هستند این شماست که در بکارگیری روشهای ناسالم مورد سؤزن هستید، نه فراکسیون. اخیراً اطلاعیه‌ای خبری از طرف فراکسیون منتشر گشته است که خلاف این ادعای شما و کمیته مرکزی حزب را ثابت می‌کند، که گویا شما خواهان مبارزه‌ای سالم و بدور از تشنج هستید.**

30 سپتامبر 2008